

Era of Reappearance and Creation of Islamic Civilization with Emphasis on Conceptual Category of Entezar in Islamic Thought of Ayatollah Khamenei

Hadi Ebrahimi

Islamic Revolution education researcher

Mahmood Ghasemi Ghalebahman *

PhD candidate in comparative philosophy, 4th level student of seminary

Abstract

The conceptual reading of the Entezar (Expecting Imam Mahdi) during the occultation period has been accompanied by different intellectual and practical approaches, which the Shia scholars have adopted the necessary and appropriate scientific and practical struggle in order to organize and demarcate the Shia identity and reform their religious knowledge so that the Shia religion finds an independent and demarcated identity in this field and does not deviate from its framework and fundamental principles. This article seeks to address the construction of Islamic civilization and the rule of Islamic values by proposing an institutional and duty-oriented approach, as well as constant endeavor with the scientific and practical struggle of society. Therefore, to reach the peak of human advancement in the new Islamic civilization, the theory of Entezar has a cognitive function for reforming religious knowledge, a motivational function in providing hope and empowerment for action and liberation from the futility of humanity, and a functional function for building the destiny of humanity and standing up and fighting against injustice and arrogance. And considering the objectivity and existence of Messianism in the Shia school, there is an appropriate existential training ground for building a civilization. This article seeks to analyze the conceptual category of the Entezar to determine the why and how of the optimal and superior construction of Islamic civilization concerning the era of reappearance, and to analyze the mentioned issue with a qualitative approach and data collection in a library and analytical-logical method.

Keywords: Entezar, Reappearance, Islamic Civilization, Shia, Islamic Government, Justice.

* Email: bahman.mgb@gmail.com (Corresponding Author)

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

هادی ابراهیمی | پژوهشگر معارف انقلاب اسلامی

| محمود قاسمی قلعه‌بهمن* | دانش‌آموخته دکتری فلسفه تطبیقی، طلبه سطح ۴ حوزه علمیه

چکیده

خوانش مفهومی انتظار فرج در طول دوران غیبت با رویکردهای فکری و عملی متفاوتی همراه بوده است که اعظام شیعه در انتظام و مرزبندی هویتی تشیع و اصلاح معرفت دینی آنان، مجاهدت علمی و عملی لازم و متناسبی را اتخاذ کرده‌اند تا مذهب تشیع هویت مستقل و مرزبندی شده‌ای در این زمینه یافته و از چارچوب و اصول اساسی خود منحرف نشود. این مقاله درصدد است با طرح رویکردی تأسیسی و تکلیف‌گرا و همچنین تکاپوی دائمی با مجاهدت علمی و عملی جامعه به ساخت تمدن اسلامی و حکومت ارزش‌های اسلامی پرداخته است. از این رو برای رسیدن به اوج اعتلای انسانی در تمدن نوین اسلامی، نظریه انتظار کارکرد شناختی برای اصلاح معرفت دینی و کارکرد انگیزشی در امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام و رهایی از پوچی انسانیت و کارکردی کُنشی برای ساخت سرنوشت بشر و ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار را دارد. و با توجه به عینی و موجود بودن موعودگرایی در مکتب تشیع، زمینه تربیت وجودی مناسبی برای ساخت تمدنی فراهم است. این مقاله درصدد است با تحلیل مقوله مفهومی انتظار فرج، به چرایی و چگونگی ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی را در نسبت با عهد ظهور مشخص سازد و با رویکرد کیفی و گردآوری داده‌ها به‌گونه کتابخانه‌ای و با روشی تحلیلی - منطقی، به تحلیل مسأله مذکور پرداخته است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار فرج، تمدن اسلامی، عهد ظهور، مکتب تشیع، حکومت اسلامی، عدالت.

مقدمه

خوانش مفهومی انتظار فرج در طول دوره غیبت کبری با رویکردها، تبیین‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در جامعه تشیع روبه‌رو بوده است. شیخ نعمانی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و... از اعظام شیعه کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته‌اند تا اصلاح معرفت دینی جامعه منتظر، به‌روشنی و به دقت صورت یابد. باور به امام قائم غائب که از آغاز در مذهب شیعه مورد تأکید بوده است، وظیفه انتظار ظهور و فرج را همواره در ادوار مختلف ترسیم کرده است تا به جامعه بشری بشارت توسعه در رزق معاد و معاش و همچنین نوید و مژده گشایش سیاسی - اجتماعی را با مؤلفه‌های استکبارستیزی و استبدادستیزی بدهد.

انتظار فرج همواره عاملی مؤثر برای امیدزایی، نشاط‌بخشی و تحرک‌آفرینی در جامعه شیعه بوده است؛ تا در برابر مشکلات و موانع، خوف و حزنی نداشته و بدون مواجهه انفعالی، زنده و پویا زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف باشد. از این‌رو انتظار فرج به معنای رها کردن کار و تسلیم شدن در برابر شرایط و موانع نبوده و با رویکردی تأسیسی درصدد رفع موانع طاغوت درونی و بیرونی بشری و ایجاد اقتضائات لازم و متناسب با آن است.

این تربیت فکری، روحی و عملی جامعه اسلامی و آمادگی و انسجام نیروها و امکانات، زمینه‌ساز رشد و بلوغ عقول جامعه بشری برای ظهور ذخیره خداوندی است. انقلاب اسلامی مهدی موعود، عمل به کلمه طیبه توحیدی لا اله الا الله است که در آن نفی و اثبات توأمان می‌باشد. از این‌رو دو گونه اقدامات در آن رخ نمایان می‌کند: نخست نفی عوامل نابسامان موجود در جامعه بشری است و دیگری اقدامات تمهیدی و زمینه‌ساز برای رشد و آمادگی در جهت پذیرش ولایت الهی می‌باشد. بنابراین انتظار فرج از امری شخصی به سطحی بالاتر، یعنی رفتار فردی و جمعی ارتقاء یافته است که با گوشه‌نشینی و ذلت‌پذیری در تضاد است. انسان منتظر همواره آماده مبارزه و تلاشی برای اصلاح شناختی و رفتاری خود و جامعه می‌باشد. در راستای آن به دقایق و لطایفی ویژه توجه دارد، همانند اصلاح معرفت دینی و خوانش صحیح از انتظار فرج، اثبات مبانی فکری و انسجام و تقویت استدلال‌های منطقی آن، تداوم گفتمانی مهدویت و انتظار فرج در جهت تقویت باورمندی جامعه به گشودگی و ایجاد خروشی تأسیسی و تمدن‌ساز برای فرج دنیوی و اخروی بشریت که تلاش فقهای شیعه در طول تاریخ غیبت کبری در راستای آن بوده است.

بازآفرینی و اصلاح معرفت دینی در زمینه انتظار فرج، همواره کانون توجه منتظران واقعی بوده است که ایجاد کارکردی متفاوت از خوانش‌های رقیب خود دارد؛ تا در آن صورت برداشت نشود که انتظار فرج ابزاری برای تخدیر جامعه شیعه و ابزاری کنترلی در جهت عدم تقابل و جهاد با حُکام

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه بهمن و ابراهیمی) ۴۵

ستمگر و مستکبر عصری و توجیه بی مسئولیتی امت باشد، بلکه برای گسترش عدل، مبارزه با ظلم و ستم و نفی وضعیت نامطلوب با جایگزینی با شرایط بهتر و آماده سازی برای دوران فرج و ظهور همراه است. «نخستین درس عملی از موضوع مهدویت، این است که ناپود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی می باشد» (خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). عصر غیبت، دوران تربیت شیعه و تجهیز و آماده سازی فکری و روحی و عملی بشریت برای انقلاب اسلامی مهدوی است. از این رو صرف صبر بر وضعیت موجود و بی عملی در آن نفی شده و بر اقدام عملی مناسب و کنشی به هنگام و کوششی برای ساخت حیات طیبه تأکید گردیده است.

در منظومه فکری آیت الله خامنه ای، انتظار فرج از جایگاه خاصی برخوردار است و یک بخش بزرگی از مسائل اعتقادی، به مسأله انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد (خامنه ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). البته مسأله انتظار فرج نه همان مهدویت که جزئی از آن و لازمه لاینفک آن است (خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸)

نگاهی گذرا به سوء استفاده ها در طول تاریخ از این مسأله و نیز تلاش استعمار برای حذف این تفکر و ایجاد انحراف در آن اهمیت این تفکر و پتانسیل آن در تخریب یا اعتلای ملت ها را روشن می کند. گزینش روش صحیح در این مسأله برای دور ماندن از انحرافات در آن ضروری است. منبع تحقیق در حوزه مهدویت و انتظار فرج، در درجه نخست، منابع روایی می باشد، مشروط بر تنقیح و اتقان روایات مربوط به این حوزه؛ در درجه بعد می توان از شواهد عقلی و اعتباری به عنوان مؤید استفاده کرد (خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱). بنابراین تنها متبحران در فن حدیث و رجال و تفکر فلسفی می توانند در این زمینه ورود کنند (خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

دوران غیبت، سنتی الهی و نه خارج از چارچوب برای تربیت و فهم حقیقت اشتدادی امام و درک تجلی تام ولایت الهی است.

به باور آیت الله خامنه ای، برقراری حکومت مهدوی و رسیدن به فرج نهایی که همان عدالت کامل است، براساس طبیعت عالم و حرکت طبیعی عالم به سمت صلاح و خیر می باشد و در این بین، طفره بی معناست. «شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیت نزدیک شوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود و انقلاب نهایی اسلامی بشریت که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره ها را باز خواهد کرد. قدم به قدم خودتان نزدیک شوید و بشریت را نزدیک کنید، این است انتظار فرج» (خامنه ای، بیانات، ۱۳۶۰/۰۳/۲۹). بنابر این دیدگاه تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می کند و در سطح دنیا انسانیت فرج می طلبد، اما راه فرج را نمی داند.

این مقاله درصدد است با آشنایی‌زدایی از ترکیب مفهومی انتظار فرج، اصلاح معرفت دینی جامعه منتظر رخ داده و برداشت‌های ناصواب از انتظار فرج همچون فردگرایی، فرار از تکلیف سیاسی و بی‌مسئولیتی، ساده‌لوحی و رواج اندیشه استعماری جدایی دین از سیاست و... ریشه کن شود و نخستین درس عملی از موضوع مهدویت که نابود کردن حتمی بنای ظلم در سطح جهان است، محقق گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). این مقاله درصدد است با تحلیل مقوله مفهومی انتظار فرج، نسبت چرایی و چگونگی ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی را با عهد ظهور مشخص سازد. از این رو با رویکرد کیفی و گردآوری داده‌ها به‌گونه کتابخانه‌ای و با روشی تحلیلی - منطقی به تحلیل مسأله مذکور پرداخته است.

ساخت تمدن اسلامی

با معناشناسی تمدن، دو معنا برای آن مطرح شده است (جوادی آملی، تسنیم: ۴۳۸/۱۰): الف) اجتماعی زندگی کردن. ب) حق‌محور بودن و عدالت اجتماعی داشتن. گرایش انسان به مدنیت و اجتماعی زندگی کردن، به‌تنهایی سبب شکل‌گیری تمدن نیست، بلکه عامل اصلی در آن فکر، ارزش‌ها و باورها می‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی بیان داشته‌اند که تمدن اسلامی، آن فضایی است که انسان در آن فضا امکان رشد، تکامل و به‌فعلیت رساندن تمام ظرفیت‌های خود را در عرصه‌های مادی و معنوی دارد و می‌تواند به غایت‌های مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۴/۱۶). بنابراین صرف زیست جمعی نمی‌تواند منجر به تحقق تمدن اسلامی شود، بلکه اندیشه‌ها، فضیلت‌ها، آرمان‌ها و باورها مؤثر در ساخت تمدنی است. همچنین ساخت مقلدانه تمدن، ساختی سست، بی‌مبنا و آسیب‌پذیر می‌باشد که در رویکردهای غرب‌گرایانه و شرق‌گرایانه ظهور یافته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

معظم‌له تمدن اسلامی را شامل دو بخش اساسی: الف) پیشرفت مادی و ب) رشد معنوی می‌دانند که تمدن‌سازی تناسبی میان این دو زوج ترکیبی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). «تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستی مهربانانه مردم با یکدیگر» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). «داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی، متکی به هدایت الهی. امروز اگر یک چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۴/۳۱).

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۴۷

ایشان با نواندیشی و آشنایی‌زدایی در مواردی همچون آسیب‌شناسی و بازآفرینی مفهومی، استفاده از ترکیب‌های مفهومی نو، تعیین مصداق، جای‌شناسی، نظام ارزش‌گذاری و اولویت‌ها، تکرار و تأکید، تعیین وظیفه و کارکردها، نظام طبقه‌بندی موضوعات، کاربردهای ادبی و سبک‌شناختی، زبان بدن، واژه‌سازی، کُنش‌های کلامی و... به پی‌ریزی گفتمان اصیل انقلاب اسلامی اقدام کرده است. در اندیشه رهبری، داعیه تمدن‌سازی بدون برخورداری از یک مکتب فکری و ایدئولوژی امکان‌پذیر نیست. «بدون داشتن يك مکتب، بدون داشتن يك فکر و يك ايمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). برای طی کردن فرایند تمدن‌سازی، گام‌هایی وجود دارد که گام نخست برای شکل‌گیری اجتهاد علمی و عملی تمدن‌ساز، اصلاح معرفت دینی و تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی جامعه است. «يك فاجعه‌ای برای اسلام از ابتدا تا حالا بوده و آن فاجعه اینکه اسلام را نشناخته‌اند. کسانی که بحث از اسلام کردند، چه در سابق و چه در لاحق، این‌ها اسلام را با همه ابعادش نشناختند» (صحیفه امام (ره): ۶/۴-۹). «این نشانه یک فلسفه اختصاصی مخصوص ادیان است. مصلحانی می‌آمدند، ابتدا فکر را عوض می‌کردند، اول فرهنگ را دگرگون می‌کردند، نخست می‌گفتند که این فلسفه غلط است، براساس غلط بودن آن فلسفه، مردم را قانع می‌نمودند که این وضع ظالمانه می‌باشد... این درست نیست که ما بگوئیم اول وضع عوض می‌شد، ابتدا شکل اجتماعی دگرگون می‌گردید، بعد فلسفه‌ها و افکار دگرگون می‌گشت» (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۲۷۴). «درجه نخست، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ايمان است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). این اصلاح معرفت دینی جهان‌بینی و باورهای توحیدی را به‌عنوان اساس تمدن اسلامی مطرح می‌کند که مسئولیت‌آفرین، تعهدساز و عمل‌زا می‌باشد، از این‌رو ایدئولوژی اسلام، سازنده و زندگی‌ساز است (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۱۸۷). باورهای توحیدی، تنها نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست؛ شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده می‌باشد. طرز فکری است که در بنای جامعه، اداره، ترسیم خط سیر و تعیین هدف، تأمین عناصر حفظ و ادامه آن دارای تأثیر سیاسی و تعیین‌کننده است (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۲۲۳). بنابراین برای يك امت آنچه تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز می‌باشد، آن است که ابتدا نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که درجه اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵).

استقامت وجودی اعتدالی بر صراط مستقیم

توحید حقیقی بر صراط مستقیم و به دور از هرگونه افراط و تفریط است و ریشه در فطرت آدمی دارد. در کتاب کافی آمده است: «نَحْنُ، أَلْ مُحَمَّدِ، التَّمَطُّ الْأَوْسَطُ الَّذِي لَا يَدْرِكُنَا الْعَالِي، وَ

«لا يَسْتَقِيمُ التَّالِي وَ يَرْجِعُ إِلَيْهِمُ الْغَالِي» یا در حدیث نبوی آمده است: «خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ التَّمَطُّ الْأَوْسَطُ يَلْحَقُ بِهِمُ التَّالِي وَ يَرْجِعُ إِلَيْهِمُ الْغَالِي». از این رو پیمودن راه توحید حقیقی شامل مواردی است که در آن توقف در دنیای صرف ندارد و یا توقف در آخرت صرف ندارد، یا توقف در ظاهر صرف ندارد، یا توقف در باطن صرف ندارد، بدون موانع غلو و یا تقصیر است، بدون موانع و حجاب‌های نورانی یا ظلمانی است. به گونه‌ای که مسیری جامع (دین) برای موجودی اعتدالی برای به فعلیت رساندن، تربیت و تحقق جامعیت کمالات وجودی آن است که اوج و اعتدالی آن در عهد ظهور محقق می‌شود. بنابراین در این نگاه توحیدی، سیر مؤمن بر صراط مستقیم و با برخورداری از قلبی مستوی می‌باشد (شرح چهل حدیث، ۵۳۳). معنای بر صراط مستقیم بودن آدمی آن است که متناسب با هر یک از عوالم وجودی محضر خداوندی را حفظ کند و رعایت آداب مراتب و عوالم را به طور تام و کامل نماید؛ از این رو در روایات به این معنا اشاره شده است و از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به واسطه برخورداری از چنین ویژگی‌ای به جامع‌الکلم و کلمه تامه یاد شده است. وجه و دلیل جامع‌الکلم بودن ایشان، برخورداری از ظرفیتی تام و تمام در حفظ همه مراتب حضور خداوند و رعایت آداب، متناسب با هر مرتبه می‌باشد.

اندیشه توحیدی یک نظام آیه‌وار، بر مدار صراط مستقیم است. از این رو نه محو و متحیر در وحدت محض و نه منغم در کثرت محض می‌باشد. انسان به واسطه مشتمل بودنش بر تمامی اسمای الهی و بهره‌مندی از تمام کمالات، به واسطه این جامعیت از اعتدالی وجودی بهره دارد (فرغانی، مشارق الدراری، ۱۶۶-۱۶۷). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (هود، ۵۶)، دلالت معنایی آن نشانه و حکایت‌گر از آن است که کمالات قهری و لطفی را وی به طور جامع داراست و انسان مربوب و جلوه ذاتی جامع می‌باشد که بهره‌ای از این استقامت و جامعیت لطف و قهر را داراست، یعنی بدون فصلیت صفتی بر صفتی دیگر و بدون تفاضل مقامی از مقامی و شأنی از شأنی دیگر، دارای چنین جامعیتی می‌باشد (امام خمینی، چهل حدیث، ۵۳۱؛ سر الصلاة، ۵۷ و ۴). اعتدال وجودی انسان با جامعیت او به خوبی دارای ارتباط است. انسان به واسطه اعتدال در حقیقت وجودی‌اش یعنی مشتمل بودن بر تمامی اسمای الهی و بهره داشتن از تمام آن‌ها تنها مظهر ممکن برای صورت مزاجی اعتدالی می‌باشد (فرغانی، مشارق الدراری، ۱۶۶-۱۶۷).

اما صراط مستقیم را چگونه باید پیمود؟ پیمودن صراط مستقیم با شناخت اصول همراه است؛ برای شناخت اصول نیازمند روش اجتهادی هستیم که براساس شاخص‌گذاری عمل می‌کند و نه براساس مرزبندی کردن. بسیاری از امور با مرزبندی شناخته نمی‌شوند، بلکه تنها با شاخص‌گذاری شناخته

می‌شوند. «یکی از کارها، مشخص کردن اصول است. ما اصولی داریم که باید از این اصول تخطی نشود. یعنی به نام فکرپردازی و اندیشه‌پردازی، از اصول انحراف پیدا نشود. اصول، شاخص‌های راه صحیح و صراط مستقیم است. خطاست اگر اصول را به دیواره‌هایی تشبیه کنیم که انسان از وسط این دیواره‌ها باید حرکت نماید؛ خیر، اصول شاخص‌اند. یک راه مستقیمی وجود دارد، یک صراط مستقیمی است که این، انسان را به هدف می‌رساند. این صراط مستقیم را باید شناخت، باید کشف کرد. هیچ‌کس در محدوده صراط مستقیم زندانی نشده است. اجبار به پیمودن صراط مستقیم در هیچ‌کس نیست. این اصول کسی را اجبار نمی‌کند، الزام نمی‌نماید، محدود نمی‌کند، بلکه این اصول انسان را هدایت می‌کند و به او می‌گوید که اگر چنانچه بر طبق این اصول حرکت کردی، به آن نتیجه مطلوب خواهی رسید؛ اگر از این اصول تخطی کردی، به هدف نخواهی رسید. پایان، اشکال بیراهه همین است. بیراهه، دو اشکال دارد: یک اشکال این است که انسان به سرمنزل مقصود نمی‌رسد؛ اشکال دیگر این است که وقت انسان تلف می‌شود؛ فرصت‌ها از دست می‌رود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷). هنگامی که هدف دچار ابهام نباشد، نگاه فرایندی و مسیری باید داشت و درصدد تبیین برآمد که چه مسیر و روشی بهتر ما را می‌تواند به آن هدف برساند. روش اجتهادی رویکردی نقادانه و برخوردار از هویت جمعی است و بخش عمده‌ای از آن ثوابتی می‌باشد که از میراث استنباط شده است و این‌گونه نیست که براساس استنباط شخصی به دست آمده باشد؛ اختلاف‌نظرها تنها در مواردی است که جنبه بنیادین و شعائری ندارد و به همبستگی و وابستگی شبکه مفاهیم دینی لطمه وارد نمی‌کند. بنابراین اجتهاد با وجود فردی بودن، دارای پیکره‌ای جمعی است، مواجهه با فهم فردی در اجتهاد تصویری اشتباه است که این نگاه فردی منتهی به شکل‌گیری اجتماع نمی‌شود.

اسلام، صراط مستقیم انسانیت

اسلام برای جلوگیری از اختلافات شدید در جامعه که مایه تباهی و ویرانی بنای جامعه می‌گردد، صراط مستقیمی در پی جامعه نهاده است. «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام، ۱۵۳) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل‌عمران، ۱۰۰) که اتفاق و اجتماع بر سر یک گونه معرفت دینی چنین اختلافاتی را از میان بردارد. هرچند نوع انسانی به‌طور فطری طالب سعادت حقیقی می‌باشد، اما نمی‌توان گفت که انحرافات از سعادت حقیقی به‌خاطر بطلان حکم فطرت‌های ایشان است، بلکه بشریت در تشخیص سعادت واقعی و تطبیق حکم فطرت بر مصادیق آن دچار خطا شده‌اند. چنانکه در آیه شریفه آمده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

یَعْلَمُونَ» (الروم، ۳۰) یعنی بیش‌تر انسان‌ها درک تفصیلی به حکم فطرت ندارند، هرچند برخوردار از درک اجمالی هستند. اسلام دین فطرت بوده و بشریت براساس فطرت خود حرکت می‌کند، اما ممکن است در تطبیق با مصادیق خطا رفته باشد. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (الروم، ۴۱) مطابق آیات قرآنی اسلام به دلیل فطری بودن و قابل قبول طبع انسانی بودن‌اش به‌زودی غلبه خواهد کرد و حکومت آن فراگیر می‌شود. اسلام هدف نهایی نوع بشر و کمال آن است که با فطرت‌اش به‌سوی آن می‌رود. در سیر تکاملی، موجودات و بافت عالم نیز متوجه به‌سوی آن هدفی هستند که متناسب با خلقت وجودی انسان می‌باشد. از این‌رو نظام خلقت او را به‌سوی آن هدف سوق می‌دهد. صراط مستقیم، راه ظاهر شریعت اسلامی و راه رسول اعظم و اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چنانچه در روایت آمده است که رسول خدا (ص) خطی مستقیم کشیدند و در اطراف آن خطوطی ترسیم نمودند و فرمودند: «این خط وسط مستقیم، از من است.» و «امت وسط» که خدای تعالی فرموده: «جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»، امت ایشان است. این وسط بودن به قول مطلق و به جمیع معانی می‌باشد. از آن جمله وسط بودن در معارف و کمالات روحی است. همچنین حضرت باقر علیه‌السلام به یزید بن معاویه عجلای می‌فرماید: «مائیم امت وسط، و مائیم شهدای خدا بر خلق» (تفسیر سوره حمد، ۷۱).

به‌هر میزان انسان ترک غیرحق نکرده باشد و بقایای توجه به کثرت و خودبینی در قلب‌اش باقی مانده باشد، از صراط مستقیم منحرف گشته است. «تا تقوای تامّ ملکی دنیائی بر وفق دستور شریعت مطهره حاصل نشود، تقوای قلبی رخ ندهد؛ و تا تقوای قلبی از اموری که شمرده شد حاصل نگردد، تقوای روحی سّری حقیقی پیدا نشود و تمام مراتب تقوا، مقدمه این مرتبه است که آن، ترک غیرحقّ است. تا سالک را بقایائی از انانیت می‌باشد، تجلّی حق بر سرّ او نگردد» (آداب الصلاه، ۷۹). مسأله اصلی این است که «تا خلع نعلین حبّ جاه و شرف و زن و فرزند نشود و القاء عصای اعتماد و توجه به غیر، از یمین نگردد، به وادی مقدس که جایگاه مخلصان و منزلگاه مقدسان است، قدم نتوان گذاشت.» خروج از صراط مستقیم انانیت در قالب‌های مکاتب فکری و رفتاری بشری همچون ظاهرگروی، باطن‌گروی، جبرگرایی، تفویض‌گرایی، ملامتی‌گری، لابلالی‌گری و... نیز آشکار شده است. اما انسانی که از مسیر دین وارد عرصه زندگی شود، دارای قوتی است که با از میان برداشتن انانیت و طهارت تام، نه خلق حجاب برای حق و نه حق حجاب برای خلق می‌گردد و آدمی بر صراط مستقیم و بر نقطه ثقل اعتدالی میان وحدت و کثرت باقی می‌ماند. چنین انسانی دربردارنده حقایق و رقایق عینی و علمی، لطفی و قهری، اولی و آخری، ظاهری و باطنی است و مخلوق دو دست جلال و جمال خداوند، مخلوق علی‌صورت، نسخه کامل عالم اله و خلق، برخوردار از

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۵۱

استقامت وجودی و دارای اعتدال وجودی و بهره‌مند از وجودی است که بر صراط مستقیم بوده و تربیت‌شده کمالات جامع خداوندی می‌باشد که در عهد ظهور فعلیت تمام خود می‌رسد.

ترسیم نظام، چارچوب فکری و عملی تشیع

پس از آغاز دوران غیبت و به‌طور خاص بعد از انتهاء دوره ۷۴ ساله غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب ارواحنفا، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را تهدید می‌کرد، اشتباه و انحراف عمدی یا غیرعمدی کسانی از منسوبان به مکتب شیعه بود، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیفزایند و یا بر اثر کم‌رنگ شدن مرزبندی‌های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلک‌های اعتقادی یا مذهب‌های جعلی با حقایق آن ممزوج شود. اما در دوران غیبت، به‌خصوص غیبت کبری وضع کاملاً تفاوت می‌یابد. در این دوران از طرفی به‌خاطر نیازهای روزافزونی که اکنون دیگر نه به‌وسیله امام علیه‌السلام، بلکه به‌وسیله علماء دین باید برآورده شود و از طرف دیگر، به‌خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علماء و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشت‌های مختلف در اصول و فروع دین باز است و در میان نظرات گوناگونی که ابراز می‌گردد، طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیرامامی شیعی به مجموعه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام راه می‌یابد که خلوص و اتقان آن را تهدید می‌کند و حتی در درازمدت ممکن است جهت مکتب را بکلی دگرگون نماید. اینجاست که یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ می‌نماید، وظیفه‌ای که درست به انجام رسیدن آن می‌توانسته به‌معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت‌ساز باشد و آن وظیفه عبارت است از اینکه تشیع به‌مثابه یک نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه علیهم‌السلام چهارچوبی ترسیم شود و بدین‌گونه هویت مستقل و مرزبندی شده مذهب اهل بیت علیهم‌السلام مشخص گشته، در معرض فهم و استفاده پیروانش قرار گیرد. این کار به علماء و متفکران شیعه این امکان را می‌داد که انحراف اصولی یعنی خروج از حیطة مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف‌نظرهایی که در داخل محدوده مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کرد (خامنه‌ای، پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲/۰۱/۲۸).

مفهوم‌شناسی انتظار فرج

ترکیب مفهومی انتظار فرج از دو جزء «انتظار» و «فرج» تشکیل شده است که هر یک باب وسیعی می‌باشد که نیاز به تقیح و بازشناسی مفهومی دارد. به‌عنوان شناخت اولیه از این دو مفهوم، انتظار به‌معنی مترصد حقیقتی بودن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). و فرج به‌معنی گشایش در کار است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۰/۰۳/۲۹). به‌عبارت دیگر در انتظار فرج، حقیقتی که مترصد آن

هستیم، همان گشایش در امر است که به وسیله ولی خدا محقق خواهد شد؛ از این ترکیب مفهومی اصل اولیه: انتفاحی بودن، عدم انسداد و پیشرفت‌گرایی اسلام را می‌توان برداشت کرد.

امام خمینی (ره) با پایبندی به اصول در عین نوآوری و پویایی فکری به اجتهاد علمی (در عرصه پژوهشی، علمی و نظروری) و اجتهاد عملی (در عرصه برنامه‌ریزی و اجرا) پرداخته است و به پیشرفت‌گرا بودن اسلام و عدم توقف آن در مرحله‌ای خاص (با توجه به زمان، مکان، مصالح و مفاسد واقعی) توجه داشته است. ذات اسلام را امری تحول‌خواه و تعالی‌بخش دانسته‌اند، با جمود و قشری‌گری از سویی و با بدعت‌گذاری و التقاط از سویی دیگر در تقابل است. نقشه ذهنی حضرت امام (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار نظام اسلامی براساس این اسلام ناب محمدی (ص) پی‌ریزی شده است. بنابراین مبارزات طیفی از علمای شیعه و به‌طور خاص امام خمینی^(۹) سبب ارائه رویکرد فعال و سازنده از مقوله انتظار شده است. بنابراین انتظار نور امید است؛ دست روی گذاشتن و تنها به امید آینده نشستن، انتظاری بی‌محتوا می‌باشد، کما اینکه روایت «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»، بیان می‌کند که انتظار فرج، یک عمل سازنده و به‌معنای ایجاد زمینه کمال و رشد عقلی برای ظهور با اصلاح جامعه است.

معنای عمیق‌تر هر یک از این دو مفهوم انتظار و فرج و لوازم آن‌ها در ذیل خواهد آمد. با توجه به اینکه فرج متعلق انتظار و ترصد است، به‌طور منطقی نخست به ذکر مفهوم فرج و سپس به مفهوم انتظار و لوازم آن خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی فرج

فرج در لغت به معنای مطلق انفراج و گشودگی بین دو چیز مادی یا معنوی است که در مقابل هرگونه اغلاق و انسدادی است (مصطفی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۴۵/۹). اما به حیث تبیین مصداقی، فرج با مراتبی از گشودگی همراه است، فرج نهایی که با ظهور ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود، یکی از مصداق و مصداق آتم فرج است. مهم‌ترین مصداق اشاره شده در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای موارد زیر است:

۱- عدالت و رفع ظلم در سطح جهان

به‌طور عمده، مقصود از فرج و گشایش در قضیه انتظار فرج، برقراری عدالت و رفع ظلم در سطح جهان است. این مفهوم با نظر به روایات و ادعیه مربوط به امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و به‌خصوص عبارت مشهور «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً» (کمال‌الدین، ۲۸۷/۱). به‌دست می‌آید؛ عدالت به‌عنوان خواسته تمام بشریت در تمام دوران‌ها، مورد انتظار از

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۵۳

ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴ و ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

۲- تشکیل جامعه توحیدی و حاکمیت اسلام

هرچند که عدالت به‌عنوان انتظار اصلی از فرج در روایات مطرح شده است، اما هدف اصلی از برقراری عدالت، استقرار توحید و نظام توحیدی و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸ و ۱۳۶۰/۰۳/۲۹) و دستیابی انسان به کمال است. به بیان دیگر، هدف اصلی کمال انسان و استقرار توحید می‌باشد و عدالت به‌عنوان مقدمه این واجب مطرح است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵ و ۱۳۷۸/۹/۳).

۳- فتح ابواب معرفت

بر اثر استقرار عدالت و جامعه توحیدی، انسان در مسیر کمال قرار می‌گیرد و به کمالات گوناگون دست می‌یابد. از جمله مهم‌ترین این کمالات، قرار گرفتن در وادی معرفت خداوند است. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مصادیق فرج، گشایش ابواب معرفت و قرب الهی بر روی انسان می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶).

۴- گشایش در مشکلات روزمره زندگی

گشایش در مشکلات و بُن‌بست‌های جاری زندگی نیز از مصادیق فرج است که منتظران فرج، از این گشایش‌ها نیز بی‌بهره نیستند و امید و انتظار آن‌ها نه تنها نسبت به فرج نهایی است، بلکه نسبت به گشایش در مشکلات زندگی نیز منتظر فرج هستند. این برداشت از انتظار فرج، ناشی از فهمی است که از بررسی روایات مربوط به انتظار فرج حاصل می‌گردد. به بیان دیگر، انتظار فرج در روایات، شامل انتظار فرج در تمام امور می‌شود. بنابراین منتظر فرج، در مشکلات مختلف زندگی - فردی و اجتماعی یا سیاسی و اقتصادی - دچار یأس نمی‌گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷ و ۱۳۷۵/۱۰/۰۶ و ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

ویژگی‌های فرج

۱- شمول فرج نسبت به همه بشریت

در انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، مسأله این نیست که گشایش نسبت به کار فرد یا نهایتاً شیعیان حاصل شود، بلکه گشایش و فرج نسبت به تمام بشریت مورد انتظار است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

۲- تدریجی بودن حرکت طبیعی منتهی به ظهور و فرج

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیت‌ها و نهضت‌های انجام‌گرفته پیش از ظهور برای تحقق عدالت، از جمله انقلاب اسلامی، حرکاتی است که با ظهور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به نهایت خود خواهد رسید و هر کدام از این حرکات، گامی است در جهت تحقق فرج نهایی و مؤثر در نزدیکی ظهور می‌باشد. به عبارت دیگر، برای رسیدن به فرج نهایی، زمینه‌سازی لازم است و این زمینه‌سازی گام به گام تحقق می‌یابد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۰/۱۲/۲۶، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲ و ۱۳۸۰/۰۸/۱۴).

شهید آیت‌الله مطهری نیز در کتاب «قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ» به این رویکرد اشاره کرده‌اند. در نظر شهید مطهری، برداشت نادرست از مقوله انتظار، ناشی از این دیدگاه است که قیام مهدی موعود (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) دارای ماهیت انفجاری است؛ درحالی‌که از آیات و روایات موجود چنین استفاده می‌شود که ظهور، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است: «برداشت قشری از مردم از مهدویت، قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش، اشاعه، رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن می‌باشد. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید. ... این نوع از برداشت از آن جهت که با اصلاحات مخالف است و فسادها و تباهی‌ها را به‌عنوان مقدمه یک انفجار مقدس، موجه و مطلوب می‌شمارد، باید «شبه‌دیالکتیکی» خوانده شود، با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت می‌گردد و تشدید ناپسامانی‌ها از آن جهت اجازه داده می‌شود که شکاف وسیع‌تر گردد و مبارزه پیگیرتر و داغ‌تر شود، ولی این تفکر عامیانه فاقد این مزیت است؛ فقط به فساد و تباهی فتوا می‌دهد که خودبه‌خود منجر به نتیجه مطلوب شود. آن عده از آیات قرآن کریم - همچنان‌که گفتیم ریشه این اندیشه می‌باشد و در روایات اسلامی بدان‌ها استناد شده است - در جهت عکس برداشت بالا است. از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای می‌باشد از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. ... حدیث معروف که می‌فرماید: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» نیز شاهد مدعای ما است نه بر مدعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و میرساند که قیام مهدی برای حمایت

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۵۵

مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته شده بود: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ اِيْمَانًا وَ تَوْحِيدًا وَ صِلَاحًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ كُفْرًا وَ شِرْكَاءَ وَ فَسَادًا» مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت استنباط می‌شد که قیام مهدی موعود (عج) برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است، نه برای گروه اهل حق ولو به صورت یک اقلیت» (قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ۴۳۶-۴۳۹).

۳- نزدیک شدن زمان ظهور و فرج نهایی بر اثر زمینه‌سازی‌ها

همان‌طور که ذکر شد، زمینه‌سازی برای ظهور توسط منتظران و فراهم شدن شرایط ظهور موجب نزدیک شدن زمان ظهور می‌شود. این مضمون در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای به دفعات تکرار شده است. در نگاه ایشان، تلاش در راه تحقق وعده ظهور، (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۳/۱۲) تمام حرکات مسئولان در جهت استقرار عدالت، اسلام و احکام اسلامی در جمهوری اسلامی، (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) پیشرفت در کسب معرفت، صلاحیت‌ها و اصلاح جامعه، فداکاری و شهادت؛ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲) تشکیل حکومت اسلامی بر اثر انقلاب اسلامی ایران و تداوم انقلاب اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۶۰/۰۳/۲۷، ۱۳۶۰/۰۳/۲۰ و ۱۳۶۰/۰۳/۲۹) و... همگی موجب نزدیک شدن ظهور می‌شود، بلکه در صورت نبود این موارد، ممکن نیست امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷) یکی از اصلی‌ترین زمینه‌سازی‌های ظهور، نزدیک شدن بشر به تعالیم انبیاء است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹) که با توجه به مطالبی که ذکر شد، سبب نزدیک شدن ظهور شده است. بنابراین در نتیجه همت و اراده انسان‌ها در پرتو امید به منجی موعود است که با ظهور تحقق می‌یابد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۰۲/۲۰).

۴- آغاز حرکت تکاملی انسان در دوران فرج (پس از ظهور)

قیام مهدوی برای حمایت مظلومان و مستضعفانی است که استحقاق حمایت دارند؛ و سخن در این است که در دوران غیبت گروه سعدها و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار خود برسند؛ سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند. در روایت‌های اسلامی سخن از گروهی زُبدیه است که به محض ظهور امام (عج) به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن، خلق نمی‌گردند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زُبدیه را پرورش می‌دهد. مبارزه با رویکردی فعال، انقلابی و سازنده از مقوله انتظار فرج قابل استنباط است.

تکامل بشریت در دنیا در دوران ظهور محقق می‌شود. با استعاره‌شناسی کلمات آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت انسان پیش از ظهور، تشبیه به حرکت در پیچ و خم کوه‌ها و لجن‌زارها و حرکت تکاملی انسان پس از ظهور، به حرکت در بزرگراه تشبیه شده است و به عبارت دیگر حیات اصلی و حقیقی انسانیت در عهد ظهور محقق می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱، ۱۳۹۶/۰۲/۲۱ و ۱۳۹۸/۰۱/۳۱). البته این آغاز حرکت آسان انسان در دوران ظهور به این معنی نیست که در آن دوران طبیعت بشر تغییر کند و تبدیل به فرشته گردد، بلکه در آن دوران نیز درگیری خیر و شر در درون انسان وجود دارد و عقل و غرائز و تمایلات انسان به شکل سابق وجود دارند. بنابراین تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست، بلکه تدریجی و با سیر مراحل تکامل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۲۱ و ۱۳۸۲/۰۲/۲۰).

مفهوم‌شناسی انتظار

همان‌طور که اشاره رفت، معنای اولیه انتظار، مترصد یک حقیقت بودن است، اما با دقت در خود مفهوم انتظار و ترصد، زوایا و لوازمی از این مفهوم روشن می‌شود که ضروری است به آن‌ها پرداخته شود. انتظار و ترصد، همان حالت آمادگی در انسان است. آیت‌الله خامنه‌ای برای توضیح این حالت در انسان، آن را به حالت آماده‌باش نظامی تشبیه می‌کنند که این حالت باید دائم در انسان باشد. این مفهوم از انتظار، دقیقاً مقابل آن مفهومی است که انتظار را صرفاً به بی‌صبری کردن و دست روی دست گذاشتن ترجمه می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰، ۱۳۹۶/۰۲/۲۱ و ۱۳۹۷/۰۲/۱۱) انتظار فرج همواره عاملی مؤثر برای امیدزایی، نشاط‌بخشی و تحرک‌آفرینی در جامعه شیعه بوده است.

انتظار فرج به معنای رها کردن کار و تسلیم شدن در برابر شرایط و موانع نبوده و با رویکردی تأسیسی درصدد رفع موانع طاغوت درونی و بیرونی بشری و ایجاد مقتضی لازم و متناسب با آن است. در حقیقت تربیت فکری، روحی و عملی جامعه اسلامی و آمادگی و انسجام نیروها و امکانات، زمینه‌ساز رشد و بلوغ عقول جامعه بشری برای ظهور ذخیره خداوندی است. انقلاب اسلامی مهدی موعود عمل به کلمه طیبه توحیدی لا اله الا الله است که در آن نفی و اثبات توأمان است. نخست، نفی عوامل نابسامان موجود در جامعه بشری می‌باشد و دیگری اقدامات تمهیدی و زمینه‌ساز برای رشد و آمادگی برای پذیرش ولایت الهی است.

لوازم انتظار فرج

یکی از مهم‌ترین لوازم انتظار فرج، مسأله تلازم امید و انتظار است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). امید یکی از پرتکرارترین واژه‌هایی می‌باشد که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مهدویت و انتظار تکرار شده است؛ به لحاظ منطقی، امید لازمه مهم انتظار فرج می‌باشد. مؤلفه‌های اطمینان به فرج و برچیده شدن ظلم، امید به برچیده شدن ظلم را تقویت می‌کند. از این رو در این بخش به احصاء لوازم مفهومی انتظار فرج پرداخته می‌شود:

۱- قانع نبودن به وضعیت موجود

انتظار یک حقیقت و به خصوص انتظار گشایش در امر، مستلزم آن است که شخص منتظر معتقد باشد که در حال حاضر آن حقیقت و آن گشایش تماماً محقق نشده است، لذا به وضعیت موجود قانع نیست. شاخصه وضعیت موجود در حال حاضر نیز همان ظلم و جور است که در دنیا وجود دارد و با ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و استقرار عدالت کامل، برطرف می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶ و ۱۳۸۷/۰۵/۲۷)

۲- اطمینان به فرج و تحقق آن

از دیگر لوازم انتظار، آن است که شخص منتظر مطمئن است و یقین دارد که متعلق انتظار حتماً محقق خواهد شد، و چنانچه گذشت، متعلق انتظار به طور عمده عبارت از تحقق عدالت به دست حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲ و ۱۳۷۷/۰۹/۱۴).

۵- اطمینان به برچیده شدن بساط ظلم

هر چند که در معنا و مصادیق فرج، برچیده شدن ظلم به عنوان لازمه برقراری عدالت مطرح شد، لکن به دلیل اهمیت آن و تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر قطعیت برچیده شدن ظلم، این عنوان به صورت جداگانه جزو لوازم انتظار فرج ذکر شد. از دیدگاه ایشان انتظار فرج مستلزم قابل زوال بودن نظم کنونی ظالمانه جهان است و این خود امید مبارزه را در ملتها برمی‌انگیزاند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸).

۶- امید و حرکت

امید در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به چیزی گفته می‌شود که اشتیاق و انگیزه حرکت در انسان را ایجاد می‌کند. در بسیاری از مواردی که ایشان بحث انتظار فرج را مطرح کرده‌اند، به مسأله امید نهفته در انتظار به عنوان عامل حرکت‌آفرین بشریت علیه ظلم اشاره‌ای نموده‌اند. همان‌طور که اشاره شد،

امید و انتظار ملازم یکدیگرند و ملتی که امید به پیروزی نداشته باشد، از حرکت و مبارزه در مقابل ظلم بازمی‌ماند. بنابراین امید به فرج و برقراری عدالت و برجیده شدن ظلم، موجب تحرک و مبارزه ملت‌ها علیه دشمنان، حیات و نشاط ملت‌هاست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۱/۸، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷، ۱۳۹۴/۰۳/۱۲ و ۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۷- تکلیف به عمل و کسب آمادگی

با توجه به مفهومی که از انتظار بیان شد و با توجه به موارد مذکور، آمادگی برای ظهور و انجام تکالیف عملی متناسب با ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف یکی از لوازم انتظار فرج به‌شمار می‌رود که لازمه چهارم انتظار فرج، یعنی «امید و حرکت» نیز اشاره به آن شد. با توجه به اینکه در روایات، انتظار فرج از افضل اعمال دانسته شده است، از این‌رو انتظار مستلزم حرکت، عمل و کسب آمادگی‌های لازم برای فرج نهایی است. این آمادگی - که از خصوصیات آن همیشگی بودن آن می‌باشد - عبارت است از: (۱) مبارزه با ساختار استکباری بین‌المللی قدرت فسادزا، (۲) خودسازی و اصلاح نفس، (۳) آگاهی، بصیرت و نگرش جهانی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۹۶/۰۲/۲۰). در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای زمینه‌سازی فرج نهایی با آمادگی با رویکرد عاشورایی است. یکی از مصادیق کامل آمادگی برای ظهور، ایستادگی و استقامت عاشوراگونه می‌باشد که در صورت گسترش این روحیه در میان منتظران، زمینه‌سازی ظهور فراهم خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳).

۸- کسب و اعمال قدرت سیاسی

نظر به آیه ۲۵ سوره حدید، اقامه قسط و عدل در جهان نیازمند قدرت است. ستمگران عالم با زبان نصیحت دست از ظلم، زیاده‌طلبی، سلطه‌گری و استثمار برنمی‌دارند؛ این مستلزم آن است که قدرت در دست انسان‌های صالح باشد. این مطلب با توجه به این نکته روشن می‌شود که رواج اعتقاد به عدم اعمال قدرت در مقابل قدرت‌های زورگو و اکتفا به نصیحت آنان، خواسته و آرزوی قدرت‌های جهانی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۷/۳۰).

ویژگی‌های انتظار فرج در مکتب تشیع

عینیت مسأله انتظار در مکتب تشیع

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اولویت تحقیق در مهدویت، مسائلی همچون طول عمر و مانند آن نیست، بلکه اولویت با تحقیق بر مسأله تشخیص و اثبات اینکه مهدی موعود فرزند امام حسن

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۵۹

عسکری علیه‌السلام است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۰۳). اینکه برخلاف دیگر مکاتب اسلامی مهدی منتظر در مکتب تشیع یک انسان واقعی و به نام و نشان مشخص و بنا بر ادله متقن متولد شده و در حال حاضر موجود است و حاضر و ناظر ما می‌باشد، مسبب آن شده است که در مکتب تشیع امید به مهدی موعود یک امید مبهم نبوده و شیعه درباره مهدی موعود در عالم ذهنیات غوطه‌ور نیست، بلکه به یک موجود واقعی و زنده معتقد است. عینیت این حقیقت در مکتب شیعه، ارتباط معنوی و قلبی شیعیان با او را میسر کرده و همین مهم انتظار فرج را به طور دائم در دل آن‌ها زنده نگه می‌دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). از این رو براساس انتظار موعودی موجود و عینی، تربیت وجدانی و وجودی در دوران غیبت تسهیل و امکان‌پذیر است. تربیت وجودی دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد: (طهرانی، لب‌اللباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب، ۱۴۶) اولاً در آن توجه به وجه یلی الربی و وجودی عالم و آدم می‌شود، از این رو «عالم» را «خلقت» و «آدم» را «خلیفه» الهی می‌یابد. دوم، براساس آن توقف به انتقالات مفهومی و دلالتی صرف بی‌معنا بوده و در آن بر وجه درک حضوری و شهودی تأکید می‌شود، بنابراین به پردازش‌های ذهنی اکتفا نشده و حصول نتیجه مؤثر از وحدت، وصول و بلوغ به واقعیت و کمالات وجودی است. سوم، هدف از تربیت وجودی، تشبه، مشاکلت و تناسب وجودی با مبدأ اعلی می‌باشد. از این رو خداوند و کمالات او را مقوم وجودی خویشتن وجدان می‌کند و در آن تمکن می‌یابد. چهارم، فرایند تربیت وجودی، فرایندی تهذیبی و با طریق معرفت و توجه به نفس است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۶۵/۶؛ طهرانی، توحید علمی و عینی، ۳۲-۳۴).

امید و حرکت در نتیجه انتظار شیعی

اهمیت مسأله امید در مبحث انتظار پیش از این مورد بحث قرار گرفت، اما در مکتب شیعه به علت عینیت قضیه مهدویت، آثار بسیاری بر آن مترتب می‌شود. ایمان و اعتقاد به حضور منجی چنان امیدی در دل انسان‌ها به وجود می‌آورد که منجر به تسلیم‌ناپذیری ملت و حرکت بزرگ جامعه، از جمله حرکت عظیم انقلاب اسلامی در ایران می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۰/۰۴/۱۸ و ۱۳۹۲/۰۴/۰۲).

مبانی و منطق انتظار فرج

مسأله مهدویت، صرفاً یک مسأله عاطفی نیست، بلکه دارای مبانی مستحکمی می‌باشد که تمام شبهات را پاسخ‌گو است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸). این مبانی به شرح زیر می‌باشد:

۹- سنن و وعده‌های الهی

براساس سنت قطعی الهی، غلبه حق بر باطل قطعی است و این مطلب از آیات قرآن استفاده می‌شود؛ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۸۶/۰۵/۲۸، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷ و ۱۳۸۸/۰۶/۱۸). یکی از مصادیق و شاید بزرگ‌ترین مصداق غلبه حق و نصرت الهی، تحقق ظهور و حکومت جهانی مهدی موعود می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۰/۰۳/۲۷، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸ و ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۶۶/۰۱/۲۴). از دیگر سنن الهی که ضامن تحقق فرج است، سنت رسیدن به راحتی و فرج بعد از سختی‌ها می‌باشد؛ حرکت انسان در این دنیا توأم با سختی‌ها و مبارزات و برخورد با موانع است که به‌خصوص اگر این سختی‌ها توسط انسان برای رسیدن به هدف انتخاب شوند، قطعاً منتهی به گشایش و فرج خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۱۷). البته هرچند براساس وعده‌ها و سنن کلی حاکم بر خلقت، تحقق ظهور و عدالت جهانی قطعی است، اما وعده ظهور به‌طور خاص نیز در ادعیه و روایات ما وارد شده که مورد استدلال آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

۲- تجربه بشری در تحقق مصادیق وعده الهی در طول تاریخ

از جمله مبانی و ادله‌ای که ذیل مبنای «سنن و وعده‌های الهی» قابل طرح است، تجربه تاریخی بشر نسبت به تحقق مصداق‌هایی از وعده الهی می‌باشد که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است و نیز تجربه انقلاب اسلامی است که سبب استواری ایمان به فرج نهایی می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱ و مکتب جمعه، ۲۵۰/۳).

۱۰- اصل عدالت

پیش‌تر ذکر شد که یکی از اصلی‌ترین مصادیق فرج، عدالت است که خواسته تمام بشریت بوده و هست. عدالت، اصلی است که هم در مبدأ حرکت بشر که آغاز نهضت انبیاء می‌باشد، مسأله عدالت مطرح است و هم در انتهای این حرکت که نهضت جهانی مهدی موعود می‌باشد، این مسأله مطرح است. هدف بعثت انبیاء طبق آیه قرآن، اقامه قسط و عدل می‌باشد و طبق روایات نیز هدف قیام امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نیز اقامه عدل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۲/۲۱، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹ و ۱۳۷۱/۱۰/۱۷). بنابراین مسأله عدالت، گویی به‌عنوان یک سنت الهی در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای مطرح می‌باشد که منطق انتظار فرج را تأمین می‌کند.

۱۱- فطرت و سرشت بشر

سرشت آدمی متمایل به آینده‌ای است که در آن عدالت تحقق یابد. بنابراین دل‌ها به‌طور طبیعی و فطری حالت انتظار نسبت به این آینده دارند و به‌همین دلیل هم هست که تمام بشریت چنین نیازی

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۶۱

را احساس می‌کنند. البته این حالت طبیعی منوط به آن است که نخست، فطرت انسان مسخ نشده باشد. دوم، نگاه کلان به زندگی عمومی بشر داشته باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

۱۲- استمرار نبوت و طلبِ جامعه آرمانی

از دیگر مبانی مسأله انتظار فرج، بحث نبوت است که استمرار آن همان تحقق فرج نهایی می‌باشد. نخست، سلسله انبیاء از آدم علیه‌السلام تا خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سلسله اهل بیت علیهم‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف، یک سلسله پیوسته می‌باشد و به این معنی است که حرکت بزرگ انبیاء متوقف نشده و احتیاج بشر به داعیان الهی تا امروز باقی می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر اگر مهدویت نباشد، به این معنی است که تمام تلاش و زحمات طاقت‌فرسای انبیاء بی‌نتیجه بماند که با حکمت بعثت انبیاء منافات دارد. دوم، انبیاء خواهش و طلبِ جامعه آرمانی را در مردم زنده کردند که به معنی دمیدن روح انتظار در مردم است. این مهم در بشر امروز مشاهده می‌شود و بشر امروز به تعالیم انبیاء نزدیک شده است که از جمله آن تعالیم، مسأله عدالت و جامعه آرمانی می‌باشد که انتظار بشر را نسبت به تحقق آن در پرتو مهدویت بالا برده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸ و ۱۳۶۰/۰۳/۲۷).

۱۳- اجماع و تواتر مذاهب اسلامی

اصل قضیه مهدویت مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی و جزو مسلمت و واضحات است. روایات معتبر از طرق مختلف و در مذاهب گوناگون بر مسأله مهدویت دلالت دارد و این مسأله بین مسلمانان متواتر است. البته غیر شیعه، در بخش اصلی این عقیده که همان معرفت به شخص مهدی موعود است، دچار نقص‌اند. شیعه به شخص مهدی موعود عجل‌الله و پدران او با روایت‌های متواتره معرفت دارد و حتی روایاتی از غیر شیعه هم مثبت این مسأله هستند و بسیاری از اهل سنت هم این حقیقت را تصدیق کرده‌اند. به‌رحال ولو عده‌ای از پیروان مذاهب دیگر این عقیده شیعه را قبول ندارند، اما نتوانستند دلیل معتبری هم بر رد این عقیده شیعه اقامه کنند. حتی بسیاری از غیر شیعه - مسلمان یا غیر مسلمان - تصدیق کرده‌اند که بشارت‌های تورات و انجیل منطبق با عقیده شیعه در این زمینه است. در مورد ادیان دیگر نیز تمام ادیان الهی و بلکه برخی ادیان غیر الهی مانند ادیان قدیمی هند، بودیسم و غیر آن نیز معتقد به مهدویت هستند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۱۷، ۱۳۷۲/۱۱/۸، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰، ۱۳۷۵/۱۰/۰۳، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵، ۱۳۷۷/۰۹/۱۴، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳، ۱۳۹۲/۰۴/۰۲، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۴).

شرایط تحقق فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اغلب منوط به تحقق دو امر است:

۱- کثرت ظلم و جور

کثرت ظلم و جور یکی از شروط تحقق ظهور می باشد که البته این شرط به تنهایی کافی نیست و شرط بعدی نیز برای تحقق ظهور لازم است. از نظر آیت الله خامنه‌ای، این شرط درحال حاضر در دنیا وجود دارد. از دیدگاه ایشان ظلم کنونی در جهان که تحت شعارهای ظاهر فریب مانند حقوق بشر و حقوق زن و مانند این‌ها در دنیا صورت می‌گیرد، بی سابقه است. این شرط از روایت‌هایی مانند «یَمَلَأُ اللَّهُ بِهَ الْاَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا» استنباط می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶ و ۱۳۷۸/۰۹/۰۳).

۲- آمادگی و زمینه‌سازی بشر برای ظهور

شرط دوم ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی بشر است که این آمادگی نیز تا حدی در مردم ایجاد شده و روز به روز تقویت می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بشر امروز به تعالیم انبیاء از جمله آزادی، عدالت و کرامت انسان نزدیک‌تر شده و معرفت بشری پیشرفت کرده است که این خود زمینه‌ساز ظهور می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲ و ۱۳۷۸/۰۹/۰۳). همچنین وجود انسان‌های صالح، مؤمن و فداکار نیز برای تحقق فرج ضروری است که بعد از پیروزی انقلاب و پدید آمدن تعداد زیادی جوان مؤمن و فداکار، امید به تحقق این شرط نیز افزایش یافته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶). از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای زمانی ظهور اتفاق می‌افتد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود ایستادگی کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲). بنابراین تنها آمادگی فکری و ذهنی منتظران ظهور کافی نیست، بلکه ایستادگی و مقاومت آن‌ها نیز برای تحقق ظهور لازم است.

کارکردهای تمدنی انتظار فرج

فارغ از اینکه انتظار فرج و گشایش نهایی بشریت چه فوائد زیادی برای انسان دارد، نفس باورمندی به اینکه روزی بشر از ظلم نجات خواهد یافت و حاکمیت زر، زور و تزویر برچیده خواهد شد و بشر به اوج اعتلای انسانی خواهد رسید، برای انسان دارای آثار ارزنده‌ای است (خامنه‌ای،

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه بهمن و ابراهیمی) ۶۳

بیانات، ۱۳۶۶/۰۱/۲۴). انتظار فرج آثار و کارکردهای مؤثر در ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی دارد که در بیانات آیت الله خامنه‌ای به سه کارکرد مؤثر آن‌ها اشاره شده است:

الف) کارکرد شناختی

اصلاح معرفت دینی و فهم از دین

در اندیشه اسلامی بین سه مفهوم دین، معرفت دینی و تدین تمایز مطرح می‌شود (جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۹-۲۴). اگر دین یک واقعیت مقدس، ثابت و فطری است؛ ولی معرفت دینی این‌گونه نیست، زیرا متعلق به فاعل شناسای دین می‌باشد. سنخ دین، سنخ هستی‌شناختی است و سنخ معرفت دینی، سنخ معرفت‌شناختی می‌باشد. بنابراین این دو با یکدیگر متفاوت‌اند. یکی از کارکردهای اساسی انتظار فرج این است که به فهم صحیح و مصاب از دین کمک می‌کند. «مسأله انتظار که جزء لاینفک مسأله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین، حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام می‌باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). با توجه به بیان آیت الله خامنه‌ای در این مورد، مقصود از فهم دین، فهم جنبه‌های اجتماعی و انقلابی دین است که منجر به حرکت جامعه به سمت اهداف والای اسلامی می‌باشد. نخستین حرکت فکری امام خمینی (ره) نیز اصلاح معرفت دینی بوده است. تلاش‌های جدی و دائمی زعمای انقلاب اسلامی در مواجهه با مخاطبان مختلف، آن بوده که زاویه-های دین‌شناسی مخاطبان را کامل، اصلاح و ارتقاء بخشند. تنقیح و ارتقا، معرفت دینی نیاز اصلی امت اسلامی است، زیرا تمام چالش‌های آن نیز ناشی از ضعف معرفت دینی می‌باشد. نبود معرفت دینی صحیح، عامل بسیاری از کاستی‌های مسلمانان است و در حقیقت معرفت دینی زیرساخت فکری و عینی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که شکل‌گیری گفتمان راستین جدید با رشد معرفت دینی حاصل آید. آسیب در معرفت دینی با گونه‌های متفاوت آن، مانع و حاجب اصلی پیشرفت جامعه اسلامی است. رشد و تحول معرفت دینی و طرح اسلام ناب محمدی و پیراست معرفت دینی از زواید و ملحقیات تحمیلی به دین از سوی زعمای دین و نگاه جامع به اسلام و پیگیری نسبت دین با سایر مقولات و عرصه‌های گوناگون زندگی، برآیندی جز انقلاب اسلامی نمی‌تواند داشته باشد. از این‌رو با رشد و تکامل معرفت دینی جامعه نسبت به اسلام ناب محمدی (ص) و التزام و تدین به آن، ساخت انسان تراز انقلاب اسلامی را در پی خواهد داشت که فاعل شناسا و محرک در حرکت رشد‌یابنده انقلاب اسلامی است تا قدرت تحول‌آفرینی در عرصه‌های گوناگون زندگی را داشته باشد و ظرفیت‌های اسلام ناب و امت اسلامی را در جهت دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به‌فعلیت رساند.

ب) کارکرد انگیزشی

۱- امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام

عدم امید منجر به خروج از ولایت حق (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۱۰۹) است. بنابراین انسان نسبت به خدا و الطاف او نباید ناامید و مأیوس شود، زیرا خداوند وجودی می‌باشد که بی‌استحقاق و استعداد و بدون سؤال به آدمی نعمت وجود و کمالات بخشیده و بسط بساط غیرمحصوره و غیرمتمناهی به انسان کرده و تمام موجودات را مسخر او قرار داده است. در نگاهی توحیدی، خوف و رجا توأمان و در مرتبه کمال با هم حضور دارند و یأس از رحمت اولاً و ایمنی از مکر، ثانیاً به‌طورکلی ممنوع است (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۲۲)، اما لازم است رجا از غرور بی‌جا تمیز یابد به حسب موارد زیر:

۱. **مبدأ رجا و غرور:** غرور ناشی از تهاون و سستی در اوامر حق و کوچک شمردن حق و اوامر اوست (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۲۷)، درحالی‌که رجا ناشی از اعتقاد به سعه رحمت و عظمت ذات می‌باشد.

۲. **آثار رجا و غرور:** فردی که به خداوند امیدوار است، قیام به طاعت، وجد، جهد و وظایف عبودیت نماید و به اعمال خود اعتماد نکند و اعمال خود را کوچک برشمرد و تنها امید به رحمت، فضل و عطای الهی و تکیه به رحمت و جود الهی دارد.

در روایت از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «لایکون المؤمن مؤمناً حتی یکون خائفاً راجياً. و لایکون خائفاً راجياً حتی یکون عاملاً لما یخاف و یرجو» (اصول کافی، ۷۱/۲). بدون عمل انتظار و رجا داشتن، همان بی‌مهیا کردن اسباب به امید مسبب نشستن می‌باشد (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۲۸). رجا محبوب و مستحسن آن است که انسان تمام اسباب که در تحت تصرف اوست، ایجاد کند و پس از آن انتظار و امید آن باشد که خداوند اسبابی را که در تحت اختیار آدمی نیست را فراهم نماید و رفع موانع و مفسد کند (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۲۹). چنانکه در آیه شریفه آمده است: «ان الذین آمنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله» (بقره، ۲۱۸). بنابراین در این دیدگاه توحیدی، اعتدال و عدم رجحان میان خوف و رجا (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ص ۲۳۰)، مهم‌ترین اصل کارآمد محسوب شود. به‌طوری‌که انسان همواره متردد بین دو نظر است:

۱. نظر به نقص و تقصیر و قصور از قیام عبودیت

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۶۵

۲. نظر به سعه رحمت، احاطه عنایت، شمول نعمت و الطاف حق (امام خمینی (ره)،

شرح اربعین حدیث، ص ۲۲۳)

بنابراین می‌توان گفت که خوف و رجا عامل اصلاح است (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۳۰) و ریشه در تحلیلی توحیدی دارد که قصور ذاتی حق ممکن است و علو ذاتی مخصوص ذات خداوند می‌باشد (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۲۴). از این رو بر عدم امید به غیر خدا (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۱۲) تأکید شده و یأس از رحمت حق، بزرگ‌ترین گناه برشمرده شده است (امام خمینی (ره)، شرح اربعین حدیث، ۲۷۸).

در دیدگاه توحیدی، انسان می‌تواند نشئه خود را تبدیل کند و مظهریت ابلیسی خود را به مظهریت آدمی مبدل سازد، زیرا انسان تا در عالم طبیعت واقع است می‌تواند نقایص خود را مبدل به کمالات نماید و با ریاضت نفس و مجاهدت تمام صفات نفسانی را تغییر دهد. زیرا دنیا از سویی محل تغییر، تبدل و تصرف و از سویی دیگر، محل اختیار و اراده است (جنود عقل و جهل، ۵۱) براساس همین قاعده، آدمی نباید به هیچ وجه در مسیر پیشرفت و تعالی خود ناامید شود و براساس همین قاعده نیز نباید به کمالات اکتسابی خود مغرور گردد، زیرا تا آدمی در دارالغرور دنیا است، به هر مرتبه از کمال روحانی نیز برسد، ممکن است به قهقرا برگردد و به طور کلی تغییر کند و به شقاوت و خذلان منتهی شود (جنود عقل و جهل، ۵۲).

۲- رهایی از پوچی

ملت‌ها و به خصوص جوانان عالم که خود را به سنت‌ها پایبند نکرده‌اند، با دیدن مظاهر ظلم و ستم در دنیا، دچار یأس و ناامیدی و در نهایت دچار پوچی می‌شوند. بنابراین اعتقاد به آینده و فراگیر شدن عدالت در جهان، مانع گرفتاری ملت‌ها به پوچی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

ج) کارکرد کنش‌گری

۱- ساخت سرنوشت بشر

باور به مهدی موعود (عجل‌الله) و موضوع عهد ظهور و فرج و انتظار آن، گنجینه بزرگی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی ببرند، یکی از آن موارد در میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آن کنشگری متناسب و بهنگام در ساخت سرنوشت بشر و ملت‌هاست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). اساساً بینش توحیدی، بینشی مسئولیت‌بخش، عمل‌زا، زندگی‌ساز و تعهدآفرین برای تأسیس و ساخت زندگی است (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۲۲۳). از این رو دانستن حقیقتی است که فهم و آگاهی نسبت به آن یک نوع تکلیف و مسئولیت را متوجه انسان می‌کند (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۱۸۵-۱۸۶) بنابراین علاوه بر اینکه جزء جهان‌بینی اسلامی

است، جزء ایدئولوژی سازنده و زندگی‌ساز اسلام می‌باشد و زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح‌ها، برنامه‌ها، افکار عملی و زندگی‌ساز در اسلام همین امور است.

۲- ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار

موحد حقیقی در برابر مصایب، معاصی، بلیات، اطاعات صبر و استقامت می‌کند (اصول کافی، ۷۵/۲). چنانکه در آیه شریفه آمده است: «رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (انفال، ۶۵)؛ هدف در تشکیل حاکمیت اسلامی رسیدن به نقطه ثقل تعادل و رفع جور با ایجاد عدالت در تمام مراتب انسانیت و اصلاح تمامی انحرافات، اعوجاجات و انحطاطات است (صحیفه امام، ۴۸۰/۱۲). از سوی دیگر اگر در این حرکت الهی استقامت شود، فائق آمدن بر همه موانع نیز از سنت‌های الهی می‌باشد. در آیه شریفه آمده است: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا» (فتح، ۲۲)؛ اگر استقامت کرده، آدمی در مجاهدت خود متوقف نشود و هدف را گم نکند، غلبه در عرصه‌های مختلف زندگی مطابق سنت الهی با اوست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علت ایستادگی در مقابل دشمن و استقامت حضرت امام خمینی (ره) را این‌گونه بیان داشتند: «سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت که همین سه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. در باور به خدا، امام مصداق این آیه شریفه بود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَدْرًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» را امام با همه وجود ادا می‌کرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام نمود و می‌دانست که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» وعده الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر می‌باشد. در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه می‌شناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آن‌ها پیدا شوند، این ملت می‌تواند مانند خورشید در میدان‌های مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت ... در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما می‌توانیم» را تعلیم داد. امام پیش از آنکه «ما می‌توانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما می‌توانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴). «امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: اَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ هَذَا اَهْلُ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ؛ باید بصیرت پیدا کرد، باید در این راه

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۶۷

صبور بود. **وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً** (آل عمران، ۱۲۰)؛ اگر با بصیرت حرکت کنیم و صبر نمائیم و استقامت به خرج دهیم [کید دشمنان] اثری نمی‌بخشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱۰/۸). «پرچم انسانیت، اسلام، توحید- را آن کسانی که دارای این دو خصوصیت‌اند، می‌توانند بر دست بگیرند و بلند نگه دارند؛ **«البصر و الصبر»**؛ بصیرت و استقامت. این استقامت با عدم گرنش در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که همراه با ظلم‌ستیزی و سلطه‌ناپذیری در برابر آن‌ها همراه است. دوری از دست‌اندازی و زبان‌درازی مستکبران و طواغیت در پرتوی عبودیت خداوند و تکیه بر قدرت الهی و تکیه بر اقتدارات بی‌نهایت خداوندی در انسان میسور می‌باشد.

این کارکرد انتظار فرج در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به انحاء مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. اغلب مباحثی که از معظم‌له پیرامون امید مطرح شد، با مبارزه و ایستادگی پیوند مستقیم دارند، به‌گونه‌ای که مایوس نبودن ملت‌ها و امیدواری آن‌ها به آینده سبب هویت‌یابی آن‌ها و تلاش و مبارزه آن‌ها در راه خیر و صلاح و عدالت‌خواهی و اصلاح جامعه می‌شود و با این ایستادگی و مبارزه، مشکل ملت‌های مظلوم تا حد زیادی برطرف خواهد شد. نقطه اوج این مبارزه، برچیدن ظلم جهانی با ظهور منجی موعود است. اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج، چنان آمیدی در دل انسان به‌وجود می‌آورد که قدرت‌نمایی قدرتمندان را پوچ و مسخره ببیند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱ و ۱۳۸۳/۱۰/۰۲).

۳- انسان‌سازی

یکی از الزامات انتظار فرج که مخصوص شیعه و کسانی است که به حضور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف معتقدند، عبارت است از ارتباط قلبی و روحی با آن حضرت که این ارتباط قلبی مستلزم اصلاح نفس و آمادگی معنوی می‌باشد و با آلودگی روحی انسان منافات دارد. از این‌رو انتظار فرج مستلزم تربیت نفس در انسان است. حضرت امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی و جریان‌های آن همواره دو امر تربیتی اساسی را مورد تأکید قرار داده است: (صحیفه امام، ۴۹۱/۶ و ۲۶۴/۷). نخست: برخورداری از انگیزه الهی؛ دوم: تحول روحی و غنای فکری می‌باشد. این تحول انسانی هم خاستگاه و هم هدف اصیل در مبارزه است. در صورت بقای روحیه انقلابی و تحول روحی در انسان‌ها انگیزه شهادت‌طلبی و انقلاب‌آفرینی و مبارزه با موانع را همواره زنده و حفظ می‌شود (صحیفه امام، ۴۵۷/۱۱). مقاومت در برابر ایادی استعمار و مبارزه با آن، نیازمند مقدمه‌ای با عنوان «انسان‌سازی» است تا با مبارزه درونی و تحول فکری و روحی تاب‌آوری در برابر موانع و مشکلات برای انسان ایجاد گردد (صحیفه امام، ۲۷۵/۷). تحولات روحی در اندیشه امام خمینی (ره)،

ارزشمندتر از تحولات ظاهری اجتماعی است، (صحیفه امام، ۴۶/۸) زیرا اهمیت پیروزی معنوی بیش‌تر از پیروزی نظامی و مادی می‌باشد (صحیفه امام، ۳۸۴/۹).

وظایف جامعه منتظر

۱- تلاش برای حاکمیت اسلام

انتظار واقعی، مستلزم زمینه‌سازی برای ظهور می‌باشد. زمینه‌سازی برای ظهور، عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی که با حاکمیت اسلام و قرآن حاصل می‌شود. در جامعه منتظر قوانین و مقررات حاکم بر جامعه باید روز به روز از لحاظ ظاهر و محتوا به اسلام نزدیک‌تر گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

۲- پذیرش و برقراری عدالت

از آنجاکه امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مظهر عدل پروردگار است و انتظار ایجاب می‌کند که شخص منتظر خود را نزدیک کند به آنچه منتظر از او توقع دارد، از این‌رو وظیفه دارد که نخست خودش عدل و حق را پذیرا باشد و دوم، تلاش کند تا عدالت را در جامعه حکمفرما نماید، زیرا عدالت در بنای یک جامعه از همه‌چیز مهم‌تر است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲، ۱۳۸۱/۷/۳۰ و ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

۳- کسب آمادگی مادی و معنوی و رفع نواقص اجتماعی

کسب آمادگی از لوازم انتظار فرج است، نمونه‌ای از این آمادگی‌ها عبارت‌اند از: (۱) آمادگی عقلی و فهم بشر نسبت به معنای عدل؛ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۰۴/۲۹) (۲) آمادگی معنوی، ایمانی و اخلاقی و پیوند قلبی با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف که مستلزم اصلاح نفس است؛ (۳) پیوند دینی و عاطفی با مؤمنان؛ (۴) آمادگی برای مبارزه و رویارویی با زورگویان؛ (۵) آمادگی جسمی؛ (۶) تقویت عزم و اراده؛ (۷) تقویت بصیرت؛ (۸) تقویت معرفت عمومی (۹) ایجاد اصلاح عمومی (۱۰) ایجاد رفاه عمومی؛ (۱۱) ایجاد امنیت عمومی؛ و تلاش به قدر توان برای برطرف کردن هر نقص کمبودی که در جامعه وجود دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸، ۱۳۷۲/۱۱/۰۹، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷ و ۱۳۹۶/۰۲/۲۱).

۴- مجاهدت و مقاومت

با توجه به امتحانات و ابتلائات پیش از ظهور که در روایات نیز بر آن تأکید شده است، ایستادگی و مقاومت در میدان‌های این ابتلائات و امتحانات، از وظایف منتظران ظهور می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹).

جهاد در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اعم از قتال است و هدف از آن، الدعوه الی الله می‌باشد و متعلق جهاد، در حقیقت تقابل اسلام با استکبار و طاغوت محارب است. حاکمیت‌های طاغوت مانع از این دعوت‌اند و مقابل جهاد قرار می‌گیرند. اصل اولی در این دیدگاه: «الجهاد لایترک بحال» می‌باشد. از این رو جهاد امری ذومراتب است و با همین مبنا می‌گوئیم تمام افراد جامعه اسلامی مراتبی از جهاد را تکلیفاً برعهده دارند؛ بنابراین نه اصالت با صلح و نه اصالت با حرب است، بلکه اصالت با جهاد می‌باشد، یعنی اصالت با «الدعوه الی الله» است. بنابراین می‌توان سطوح مبارزه را این‌گونه بیان داشت: مبارزه اصغر و مجاهدت‌های میدانی با طاغوت‌های بیرونی، مبارزه کبیر و عدم تبعیت از کفار و دشمنان اسلام، مبارزه اکبر و مبارزه با طاغوت درونی. در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دو شرط اساسی مبارزه داراست: شرط نخست: در آن تلاش و کوشش در راه خداوند باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۳/۲۰). شرط دوم: در مقابله و در درگیری با دشمن است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۳/۲۰). همچنین در اندیشه توحیدی مبارزه برخوردار از دو وجه می‌باشد: وجه نخست: مبارزه، قتال و شهادت در راه خداوند. وجه دوم: روح توحیدی و معنوی، فناء فی الله و محو در معشوق و ندیدن خود در مقابل اراده ذات خداوند است (مجموعه آثار شهید مطهری، ۳۷۶/۱۳-۳۷۷).

آسیب‌شناسی در مقوله انتظار فرج

در مسأله مهدویت و انتظار فرج لازم است به منابع روایی و قرآنی معتبر، آن هم توسط اهل فن رجوع شود و سخنان سست و بی‌پایه در این زمینه قابل اعتماد نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱). عدم رعایت این نکته موجب آسیب‌هایی می‌شود که به‌صراحت در روایات معتبر نفی شده است. این آسیب‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- کارهای غیرعالمانه و غیرمتکی به اسناد و مدارک معتبر

یکی از آسیب‌های مهمی که می‌توان آن را مادر تمام آسیب‌ها در زمینه مهدویت دانست، انجام کارهای غیرمتکی به اسناد و مدارک معتبر و تسلیم در مقابل شایعات در زمینه مهدویت است که زمینه دیگر انحرافات در موضوع مهدویت و انتظار فرج را فراهم می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای عدم کار عالمانه و اتکاء به صرف تخیلات و توهّمات در مسأله مهدویت را موجب دوری مردم از حالت انتظار حقیقی و شکل‌گیری مدعیان دروغین مهدویت و درنهایت مهجوریت حقیقت این مسأله می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

۲- باور و تلاش در جهت گسترش ظلم و فساد برای تعجیل در فرج

این شبهه که شاید اوج آسیب اعتقاد به مهدویت باشد، با تمسک به روایاتی مطرح می‌شود که گسترش ظلم و فساد در جامعه را از نشانه‌ها و شرایط حتمی ظهور برشمرده است.^۱

۳- بی‌عملی و فرار از مسئولیت در دوران انتظار فرج

شاید گسترده‌ترین آسیب اعتقاد به مهدویت، دست روی گذاشتن و فرار از انجام مسئولیت‌های اجتماعی متناسب با ظهور و عدم حرکت در جهت ظهور است. این شبهه با تمسک به روایاتی به این مضمون که دنیای پُر از عدل و داد به دست حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود، مطرح می‌گردد. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن بیان این شبهه، آن را ناشی از تلاش دشمن برای تخریب این عقیده، در پی ناتوانی آن‌ها برای زدودن این عقیده می‌داند. این شبهه سبب می‌شود عقیده مهدویت از یک عامل ایجاد انگیزه و حرکت، تبدیل به یک عامل مخدر و خواب‌آور شود! (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۷/۰۱/۱۲، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

۴- کج‌فهمی نسبت به روایات نافی قیام پیش از ظهور

آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین روایاتی که پرچم برافراشته پیش از ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را در آتش معرفی می‌کند، این شبهه را پاسخ داده‌اند. ایشان این روایات را مربوط به پرچم‌هایی می‌دانند که پیش از ظهور و به‌عنوان مهدی موعود برافراشته شود، با این استدلال که در صدر اسلام نیز عده‌ای، حتی از بنی‌امیه و بنی‌عباس، ادعای مهدی‌گری می‌کردند و این روایات در نفی کار آنان صادر شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۲/۱۴).

۵- مدعیان دروغین

از دیگر آسیب‌ها در مسأله مهدویت، وجود مدعیان دروغین مهدویت و تطبیق برخی علائم غیرقطعی بر برخی افراد مربوط به زمان ظهور است. این آسیب نخست به‌علت استناد به روایت‌های غیرمعتبر می‌باشد و دوم، اشتباه در تطبیق علائم بر مصادیق است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

حکومت اسلامی و انتظار فرج

یکی از مسائلی که پُر تکرار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای است، بحث نسبت انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی با انتظار فرج و تأثیر انقلاب اسلامی بر ظهور و تأثیر انتظار فرج بر شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی و همچنین چگونگی حکومت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۷۱

مردمی بودن حکومت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرج الشریف

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، حکومت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرج الشریف یک حکومت مردمی است. مردمی بودن حکومت ایشان، نخست به معنی این است که این حکومت متکی به اراده‌ها، ایمان‌ها و بازوان مردم می‌باشد و دوم، به این معنی است که مسئولان به فکر سوءاستفاده از قدرت به نفع خودشان نیستند و در سطح مردم معمولی زندگی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

لزوم برقراری حکومت اسلامی به عنوان مقدمه ظهور

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، حرکت منتهی به ظهور، یک حرکت تدریجی و حلقه‌ای از حلقات ظهور است. این حرکت تدریجی با ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت صدرصد عادلانه به کمال خود می‌رسد.^۲ بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای مقدمه تشکیل چنین حکومتی را، به وجود آمدن حکومتی حائز مراتبی از عدالت و اسلام می‌داند، به گونه‌ای که بدون تشکیل چنین حکومتی، حکومت نهایی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ممکن نیست و جمهوری اسلامی به عنوان مصداق این حکومت، هرچه به سمت عدالت و اجرای احکام اسلامی پیش‌تر برود، ظهور نزدیک‌تر خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷ و ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). از این رو اگر انقلاب اسلامی انجام نمی‌گرفت، امکان و احتمال ظهور امام معصوم خیلی کمتر بود و با آن ظهور ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) نزدیک‌تر خواهد شد و ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود نزدیک‌تر شده‌اند. بنابراین تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت بزرگ تاریخی است و انقلاب اسلامی، ما را یک مرحله اساسی به ظهور حضرت مهدی (صلوات‌الله و سلامه علیه) نزدیک کرده است. با توجه به رویکرد عدم مواجهه انفعالی، زنده و پویا، باید زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف بود، اما این مقدمه در رویکرد تکلیف‌گرا معنادار می‌باشد. انقلاب اسلامی مهدی موعود و تشکیل حکومت اسلامی (ارزش‌های اسلامی) و استقرار عدالت کامل و در تمام مراتب انسانیت، تشکیل تمدن اسلامی (حیات طیبه الهی) ذی‌المقدمه واجب به اراده اولی خداوند است. مخاطب این خطاب الهی، نه تنها حضرت حجت سلام‌الله علیه، بلکه تمام متشرعین هستند.

زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای، تجربه انقلاب اسلامی و ایستادگی مردم مؤمن و مبارز ایران برای آن، علامتی است بر اینکه مردم توان تحمل بار مسئولیت ظهور را دارا هستند؛ البته این منوط به حفظ اتحاد و آمادگی توسط مردم می‌باشد، (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۱/۲۴ و ۱۳۶۸/۰۴/۰۸) هرچند که در بیانی دیگر، ایشان تحقق ظهور را منوط به توانایی آحاد بشر - نه فقط مردم ایران - برای مقابله

با قدرت‌های مادی مستکبران و ایستادگی بر سخن حق خود دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲). همچنین انقلاب اسلامی، نخستین قدم برای حاکمیت اسلام می‌باشد که سبب نزدیک شدن عهد ظهور شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و ۱۳۶۰/۰۳/۲۷) و استمرار بر حرکت در این مسیر، به نجات بشریت منتهی خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴ و مکتب جمعه، ۲۵۱/۳).

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران براساس اندیشه انتظار

پیش از این گفته شد که یکی از لوازم انتظار فرج، ایجاد امید و حرکت در منتظران ظهور است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج و امید به آن منجر می‌شود که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای در جهت سنت طبیعی عالم محقق گردد؛ از جمله مصادیق آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم این انقلاب است؛ به عبارت دیگر مردم ایران با درک درست نسبت به قضیه انتظار، ذهنیت درستی نسبت به انقلاب از دیدگاه اسلام پیدا کردند و این منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸ و ۱۳۶۲/۰۳/۰۷) در بیان آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی ایران باعث شد این ذهنیت غلط کم‌رنگ شده و یا از بین برود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). در نگاهی دیگر، از آنجاکه مبنای انقلاب ایران، اسلام است و انتظار فرج یکی از بخش‌های اعتقادی اسلام است، پس انقلاب ایران ناشی از عقیده به مهدویت و انتظار فرج نیز می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۰/۰۳/۲۹).

تشابه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب اسلامی مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، حکومت و انقلاب اسلامی ایران، نمونه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است. بنابراین با نگاه به جمهوری اسلامی ایران تا حدودی متوجه خواهیم شد که انقلاب و حکومت جهانی که منتظر آن هستیم، چه خصوصیتی خواهد داشت. ایشان تشابه این دو انقلاب را در زمینه‌های زیر می‌دانند: نخست) جهانی بودن هر دو انقلاب ایران و انقلاب حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف؛ مخاطب هر دو انقلاب، همه مردم جهان‌اند؛ دوم) مقابله هر دو انقلاب با قدرت‌های جهانی؛ سوم) به هم ریختن محاسبات مادی به واسطه هر دو انقلاب (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۰/۰۳/۲۰ و ۱۳۶۲/۰۳/۰۷). همچنین تشابه دو حکومت اسلامی ایران و حکومت اسلامی جهانی حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در بیان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بدین قرار است: نخست) حکومت اسلام و احکام الهی؛ دوم) برخورداری از رهبر الهی. البته واضح است که محدودیت ما در علم و تجربه و همچنین موانع اجتماعی که از گذشته به ارث

عهد ظهور و ساخت بهینه و برتر تمدن اسلامی با تأکید بر مقوله مفهومی انتظار... (قاسمی قلعه‌بهمن و ابراهیمی) ۷۳

گذاشته شده است، موجب می‌شود که نتوانیم حکومت صالحان را به‌طور همه‌جانبه پیاده کنیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۲/۰۳/۰۷).

اتصال انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف

همان‌طور که ذکر شد، یکی از دو شرط تحقق ظهور، عبارت است از آمادگی و زمینه‌سازی بشر برای ظهور، و یکی از اقشار مؤثر در ایجاد این آمادگی، روحانیت است. به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای، اگر روحانیت به وظیفه خود عمل کند و دچار فساد نشود، قطعاً این نظام به حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف خواهد پیوست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۰۴/۲۹). در بیانی دیگر از ایشان، این اتصال به پیروزی مردم بر توطئه‌های استکبار مشروط شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۱/۲۴). شاید بتوان این دو شرط در طول یکدیگر قرار داد، بدین‌نحو که حرکت مردم بر صراط مستقیم منوط است، به عمل و هدایت روحانیت و در این صورت است که این انقلاب به پشتوانه مردم به انقلاب جهانی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف خواهد پیوست.

مقابله دشمن با اندیشه انتظار فرج

در ذکر لوازم انتظار، یکی از عمده‌ترین این لوازم را امید و حرکت برشمردیم که همین خصوصیت انتظار فرج موجب مقابله مستکبران و ستمگران با آن شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵). البته دشمنی ستمگران با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف از بدو ولادت آن بزرگوار بوده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۹/۱۴) و این به‌خاطر ترس از شمشیر عدل آن بزرگوار بوده است. به‌رحال مقابله با اندیشه انتظار فرج و مهدویت، هم توسط استبداد در ایران بوده و هم توسط استعمار و استکبار جهانی می‌باشد. البته دشمن هم به‌طورکلی در تلاش برای ناامید کردن ملت‌هاست و به‌طور خاص با اصل مهدویت که متضمن معنی امید به آینده می‌باشد، مقابله می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵ و ۱۳۷۷/۰۹/۱۴) یکی از روش‌های استعمار برای نفوذ در کشورهای دیگر عبارت است از تبلیغ مسیحیت. نمونه‌ای از این تلاش که آیت‌الله خامنه‌ای آن را نقل می‌کنند، مربوط است به تلاش استعمار برای تبلیغ مسیحیت در شمال آفریقا که در این بین با عقیده مهدویت به‌عنوان مانعی در راه نفوذ مسیحیت مواجه می‌شوند و این مانع را در گزارش رسمی خود اعلام می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ و ۱۳۷۶/۰۹/۲۵). درمورد مقابله استبداد با تفکر مهدویت، ایشان نقل می‌کنند که رضاشاه نیز در برخورد با قضیه انتظار فرج و مهدویت، آن را مانعی بر سر راه خود می‌دانست و تلاش داشت تا این عقیده را ریشه‌کن کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۰۶ و ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۶۳/۲/۲۷. البته معظم‌له در این بیان، این آسیب را ناشی از نقل قولی از روایت مشهور «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً» می‌دانند. در این نقل غیرمشهور، به جای «کما ملئت ظلماً و جوراً»، «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است که خود معظم‌له در سال‌های اخیر که این روایت را می‌خوانند، به نقل دوم هم اشاره می‌نمایند و آن را نفی نمی‌کنند. به هر حال در اینکه لزوم تلاش برای گسترش ظلم و جور یکی از آسیب‌های مهدویت است، شکی نیست و معظم‌له به آن اشاره کرده‌اند.
۲. البته حرکت متوقف نمی‌شود و بشر در بستر عدالت به سمت توحیدی شدن و اجرای کامل اسلام پیش می‌رود.



منابع

فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران.
۲. اصفهانی غروی، محمدحسین (۱۳۷۳)، نه‌ایه الدراییه فی شرح الکفایه، مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تسنیم، اسراء، قم.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، اسراء.
۵. حائری اصفهانی، محمدحسین بن محمد رحیم رازی ایوانکی (۱۲۵۴ق)، فصول الغرویة فی الاصول الفقهیة.
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، KHAMENEI.IR.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، نرم‌افزار حدیث ولایت، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ویرایش دوم، چاپ دوازدهم، قم: موسسه ایمان جهادی (صهبا).
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، هم‌زمان حسین، چاپ اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۰. حسینی طهرانی، محمد حسین (بی‌تا)، لب‌اللباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب.
۱۱. حسینی طهرانی (بی‌تا)، توحید علمی و عینی.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۵ق)، شرح دعای سحر، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، شرح اربعین حدیث، چاپ بیست و هشتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خمینی، روح‌الله (۱۴۱۰ق)، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح‌الأنس، چاپ دوم، تهران: انتشارات پاسداراسلام.
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، سر‌الصلوه، چاپ ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰)، آداب‌الصلوه، چاپ دهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، تفسیر سوره‌ی حمد، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶)، شذرات‌المعارف، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۱ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. فرغانی، سعیدالدین (۱۳۷۹)، مشارق‌الدراری (شرح تائیه ابن‌فارض)، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، (جلد ۲۴ مجموعه آثار)، چاپ هشتم، قم: انتشارات صدرا.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات‌القرآن‌الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. میرزای قمی، ابوالقاسم (بی‌تا)، قوانین‌الاصول، طبع قدیم.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی